

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاپی‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

رحلت حضرت هاجر عليه السلام

طبق روایات تاریخی، در روز سیزدهم ماه ذی‌الحجه حضرت هاجر عليه السلام همسر بزرگوار ابراهیم خلیل عليه السلام پس از ابتلاء به بیماری که [طی آن] سه روز در تب شدیدی می‌سوخت، این عالم را به سمت عالم باقی ترک کرد. خاطره‌ی عظمت این بانوی بزرگوار و تسلیم بودن ایشان، همچون تسلیم بودن شوهرش ابراهیم خلیل عليه السلام و فرزندش اسماعیل ذبیح عليه السلام بسیار درس‌آموز و قابل تأمل است. بانوی جوانی هنگامی که فرزندی تازه به دنیا آورده، شوهرش به امر الهی او را فرسنگ‌ها دورتر از وطن در یک صحرای بی‌آب و علف رها می‌کند. و هاجر عليه السلام کوچکترین اعتراضی به این تقدیر الهی ندارد؛ نه از همسر خود ناخرسند است و نه از خدایی که به همسر او چنین فرمانی داده است. این بانویی که نیاز به نگهداری و کمک دارد، با یک فرزند نوزاد، یک پسر تازه به دنیا آمده، چگونه در این بیابان لم‌یزرع که به تعبیر قرآن کریم **رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ**^۱ در یک سرزمین بدون آب و علف، او را این‌گونه در دل تشنگی و گرسنگی، در معرض آسیب‌های فراوان و در دل خطر رها می‌کند و این بانو چگونه پذیرای این تقدیر الهی است! این خانواده، خانواده‌ی تسلیمند!

ما در عید قربان، از خاطره‌ی تسلیم بودن ابراهیم خلیل عليه السلام در برابر فرمان الهی مبنی بر ذبح پسر دل‌بندش که خدای متعال در سنین پیری به او عنایت کرد و قبل از او، فرزند دیگری نداشت، آدرس

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۳۷.

می‌گیریم. خداوند امر کرد این تنها فرزند را ذبح کند؛ گرچه بعدها خدای متعال به ابراهیم خلیل علیه السلام از ساره هم فرزندی داد، اسحاق علیه السلام برادر اسماعیل علیه السلام به دنیا آمد که او پدر انبیاء بنی اسرائیل است. به هر تقدیر هم تسلیم این پدر در ذبح آن پسر رشید و دوست‌داشتنی که پیامبر الهی و حامل نور خاتم انبیاست، بسیار عبرت‌انگیز است، و هم تسلیم پسر که وقتی از این فرمان الهی مطلع می‌شود و پدر نظر او را می‌پرسد که من در رؤیا دیدم تو را ذبح می‌کنم، نظر تو چیست؟ او هم با تسلیم مطلق به پدر عرض می‌کند: **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ**^۲ آنچه به آن امر شدی، عملی کن و سر مرا در راه خدا ببر و مرا قربانی کن! ان‌شاءالله مرا از صابران و شکیبایان و ثابت‌قدم‌ها در راه عبودیت و اطاعت از حضرت حق خواهی یافت.

این درس تسلیم را در عید قربان از این پدر و پسر گرفتیم؛ و امروز خاطره‌ی تسلیم بودن هاجر علیه السلام در کوچی که به امر خدا کرد و شوهرش او را به سرزمین حجاز آورد و تنها در یک صحرای خشک و لم‌یزرع رها کرد؛ و او چگونه پذیرای این امر الهی بود! هاجر علیه السلام خودش باز یک معلم تسلیم است؛ در خاطره‌ی آنچه که او در تنهایی با فرزندی که از تشنگی داشت جان می‌داد، انجام داد. در ماجرای تلاش و کوششی که آن تلاش و کوشش نهایتاً او را به یأس رساند!

این را عرض کرده‌ایم که در مسیر عبادت و بندگی، عبد باید همه‌ی تلاش و کوشش خود را بکند؛ اما انتهای راه وقتی این تلاش و کوشش به میوه‌ی کامل خودش منتهی می‌شود که او از تلاش و کوشش خود و اثربخشی تلاش و کوشش خودش مأیوس شود و وقتی به آن اضطرار می‌رسد، آن‌وقت چشمه‌های آب ولایت و آب حیات می‌جوشد. این درسی است که ما از همان ماجرای هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام می‌گیریم که چگونه هفت بار [سعی کرد] که خود این عدد هفت هم اسرار عظیمی دارد! چرا هفت بار؟ چه در طواف خانه‌ی کعبه هفت بار، چه در سعی بین صفا و مروه هفت بار، تکرار

۲. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۲.

عدد هفت در همه‌ی اینها نکته‌های عمیقی است. به‌هر تقدیر هاجر عليه السلام این تلاش را کرد و وقتی از همه‌ی تلاش‌های خودش مأیوس شد، ناگاه دید که از زیر پای فرزند دل‌بندش چشمه‌ی آب جوشید.

آب این چشمه‌ی زمزم، هنوز هم جریان دارد و این از اعجاب‌انگیزترین پدیده‌های این عالم است! چشمه‌ای که قرن‌های متمادی آبش [جریان دارد] در حالی که صورت ظاهر هم منبع تغذیه‌کننده‌ای برای آن دیده نشده! نه کوه پر از برفی که آب‌هایش جذب زمین شود و از این چشمه سر در بیاورد و نه منشأ دیگری! و آب عجیبی که این چشمه دارد! کسانی که از نظر علوم ظاهری هم تحقیق کرده‌اند، ترکیبات ویژه‌ای در ملکول‌های این آب یافته‌اند که در همه‌ی دنیا بی‌نظیر است. دانشمندی ژاپنی تحقیقی کرده است، با اینکه مسلمان هم نبوده ولی به این ویژگی منحصر به فرد ملکول‌های آب زمزم پی برده که تأثیر تعیین‌کننده‌ای در همسان‌سازی سایر آب‌ها دارد؛ اگر شما در ظرف بزرگی یک لیوان آب زمزم بریزید همه‌ی ملکول‌های آن به شکل ملکول آب زمزم درمی‌آیند. به‌هر حال جوشیدن این چشمه‌ی آب استثنائی از زیر پای اسماعیل عليه السلام خیلی درس‌آموز است؛ اینکه چگونه چشمه‌های آب حیات، آب معرفت و آب ولایت از نقطه‌ای که انسان هیچ‌امیدی به آن ندارد، می‌جوشد! هیچ‌امیدی به آن ندارد! ابتدای راه به تلاش‌های خودش امید بسته بلکه با جستجو پیدا کند؛ اما در پایان راه می‌بیند از همان نقطه‌ای که این تلاش را شروع کرد، یعنی همان نقطه‌ای که اسماعیل را زمین گذاشت و شروع به دویدن کرد، درست در همان نقطه آن گمشده‌اش پیدا می‌شود. شاید حجاب، همان حول و قوه و تلاش عبد است که باعث شده مطلوب حقیقیش را که در سلوک به دنبال آن می‌گردد و همان‌جا کنار خودش حاضر است، نبیند! چون به حول و قوه‌ی خودش دل بسته است. وقتی از حول و قوه‌ی خودش با به خرج دادن همه‌ی توانایی‌هایش در مسیر طاعت و عبادت و بندگی مأیوس شد، می‌بیند درست همان نقطه‌ای که او تلاش را آغاز کرد، همان اول راه مقصد حاصل بود. اگر دنبال لقاء خداست، اگر دنبال لقاء حجت خداست، همان‌جا حاضر بود. منتها او نمی‌دید! او حواسش به حول و قوه، تلاش و بندگی‌ها، ریاضت و چله‌نشینی‌ها، طاعات و عبادت و ذکر گفتن‌های

خودش بود. به اینها امید بسته بود! لذا آن چیزی را که در کنار او بود نمی‌دید. در اوج آرزومندی بود؛ اما همان چیزی را که در دسترسش بود نمی‌دید. قرآن فرمود: **فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ**:^۳ انتظار بکشید! برای چه؟ برای دیدار خدا! **إِنِّي مَعَكُمْ**: من که خدا هستم همین الان با خودتان هستم! **إِنِّي مَعَكُمْ**! این **إِنِّي مَعَكُمْ** خیلی معنا دارد! یعنی آن چیزی که چشم دوخته‌اید از راه دور که در زمانی طولانی به آن برسید، همین الان همراه شماست، حضور دارد! و اگر حجت خداست، گمشده‌ای که در انتظار اوید، او هم **إِنِّي مَعَكُمْ**! منتها نمی‌بینی! چون حواست به چیزهای دیگر است! نمی‌بینی چون به حول و قوه‌ی خودت دل بسته‌ای؛ برو تقلاهایت را بکن، تلاش‌هایت را بکن، کوشش‌هایت را بکن، هر وقت از نفس و رمق افتادی و دیگر هیچ توانی در تو باقی نبود، آن موقع می‌بینی که ای داد بیداد! آن چیزی که این‌همه برای رسیدن به آن تلاش کردی، از نقطه‌ی آغاز تلاش، همراه تو بود!

او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد

بیدلی در همه احوال خدا با او بود

امیدوارم همین‌قدر اشاره برای درس‌آموزی از مکتب هاجر عليه السلام کفایت کند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۳. سوره‌ی یونس، آیه‌های ۲۰ و ۱۰۲.